بسمه تعالی

علی و سمبل های نمادین حکومت او

نوشته نادر حسن زاده

مسلمانان دنیا وقتی گم شدند که پیام را گم کردند. برعکس دیگر مردمان که اگر هم پیام را گم کردند خود را گم نکردند.

اعراب از همان ابتدا، با رسالت پیامبر (ص) مخالفت کردند. وقتی هم که پذیرفتند چاره ائی جز آن نداشتند. در جانشینی پیامبر (ص) دستشان بازتر بود. به جای تمکین به من کنت، ما کنت راه انداختند. به اصطلاح ادای روشنفکری در آوردند! انتخابات مهندسی شده به راه انداختند. نتیجه اش شد آنچه تا به امروز شاهد آن هستیم.

امروز دیگر در ممالک عربی جنگ اعراب و اسرائیل نیست. جنگ ایران است. جنگ اعراب با اعراب است، جنگ دینار با زنهار است. گم شدن مهاجرین و انصار است!

در ایران هم وضع معلوم است. بیشتر حرف علی است تا عمل به حرف علی! این است که بنظر من روز پدر روز ضربت خوردن علی (ع) است!

هیچیک از دو فرق بزرگ عالم اسلام، حسرت آن را نخوردند که از درک پیام خدا عاجزیند؟ پیامی که بر تن مبارک حضرت رسول محمد مصطفی (ص) لرزه انداخت، موسی (ع) را بیهوش کرد و جان همام (همام بن شریح مرد عابد زمان علی) را گرفت.

چقدر سفارش بر دوستی با اهل بیت و چقدر مقاومت بر عدم پذیرفتن آن شد. ذَلِکَ الَّذی یُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَی وَمَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِیهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَکُورٌ - این همان پاداشی است که خدا بندگان خود را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند بدان مژده داده است بگو به ازای این رسالت پاداشی از شما خواستار نیستم مگر دوستی درباره خویشاوندان و هر کس نیکی به جای آورد برای او در ثواب آن خواهیم افزود قطعا خدا آمرزنده و قدرشناس است* خواهند گفت پیامبر (ص) بر خدا دروغ بسته که محبّت اهل بیت را بر امت واجب کرده است (قُلْ لَا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَی..)(الشوری/۲۴-۲۳).

عجبا که هنوز هم بر بسیاری مسجل نشده است اهل بیت پیامبر (ص) چه کسانی هستند؟

تاریخ نشر: ۱۳۹۶/۳/۲۸. تاریخ بازبینی هشتم ۱۴۰۳/۱/۱۵

hasanzadehr@yahoo.com

- همه امتحانات پیامبران بزرگ، بزرگ بودند. اکثرا با سختی و بعضا با تردید و نگرانی همراه بوده اما نتیجه نهائی تمکین به دستور و موفقیت در همه امتحانات بوده است. از ابراهیم گرفته تا موسی، یوسف، یعقوب، زکریا، لوط، یونس و...

در این میان نقش امام علی (ع) منحصر بفرد است.

امام است پیامبر نیست اما از هر پیامبری پیامبرتر بود. امتحان دادن برای او مثل آب خوردن بود. امتحانات او را علی تر می کرد، وصی تر می کرد، مولی تر می کرد. از همان ۱۲ سالگی او آماده هر امتحانی بدون هیچ تردیدی بود. چه زمانیکه در بستر پیغمبر خوابید و چه در جنگ های حساسی چون احد و خیبر و ...این را نوشتم که بگویم علی علی بود چون شبیه نبی بود. هر روز روز علی است. روز پدر، روز خطر، روز سفر، روز اثر، روز علی است. چه زیباست در روز علی با علی هم قدم شدن حتی به اندازه یک قدم. سخت است اما مصفا و منقا است.

تا ابد راه علی است

(۲۷ خرداد ۱۳۹۶ برابر با ۲۱ ماه مبارک رمضان)

تا ابد راه علی است

تا صمد یاد علی است

افتخار نام علی است

اتحاد کار علی است

معرفت جان علی است

مصلحت جام علی است

هر نظر نزد علی است

من یکاد قاب علی است

دست حق دست علی است

دردمند درد علی است

یا مدد داد علی است

رستگار حرف علی است

بعد از آن آل علی است

فاطمه آل علی است

حسنین آل علی است

اولیا آل علی است

اوصیا آل علی است

کربلا یاد علی است

مردمان شاد علی است

- عبرت از تاریخ یعنی عبرت از اعمال گذشتگان در برابر امتحانات جورواجور خدا. سطح و حد امتحان من و تو در حد کلاس اولی هاست و امتحان آدم و حوا، ابراهیم و اسماعیل، یونس و موسی، علی و حسین و زینب بزرگ در بالاترین سطوح (سوپرکلاس) می باشد. درعین حال امتحان، امتحان است و بی امتحان هم قیامت برپا نمی شود و قیامت هم صحنه اعلام نتایج است ولاغیر! (قسمتی از نظر من در سایت شفقنا ذیل گزارش فرق بین امتحان الهی با امتحانهای معمول در نزد انسانها- علامه طباطبائی. مورخ۱۳۹۱/۱۲/۱۷. فایل ۵۰).
- امتحان همه مسلمانان بعد از سن تکلیف شروع می شود اما علی (ع) در همان سن ۱۲ سالگی یک نمره ۲۰ از خدا گرفت و تا آخر عمر مبارکش به کمتر از ۲۰ رضایت نداد. هیچ صحابی دیگر اینقدر نمره بیست و فقط بیست (اگر نگویم بالا ۲۰) ازدست خدا نگرفت (قسمتی از نظر درج در سایت بینانیوز ذیل گزارش امام علی (ع) شبیه‌ترین به پیامبر (ص)، فایل ۱۹۲ به تاریخ ۱۳۹۴/۴/۱۶ + امام علی (ع) و پیشتازی در اسلام. سایت شفقنا. فایل ۳۹، مورخ ۱۳۹۱/۱/۸).

با اینهمه حسادت و مصلحت کار خودش را کرد. تا دیروز در غزوات مختلف هر جا مسلمانان کم می آوردند "یا علی مدد" می گفتند! حلال مشکلات علی بود. هیبت مسلمانان در سایه هدایت ها و حمایت های نبی، علی بود. نوبت که به مقام ولایت رسید "یا من مدد" را شعار کردند! سفارش پیامبر (ص) را در سقیفه باطل کردند تا هر کس جز علی رهبر بشود! اگر با ایشان بود بعد از گذشت ۲۵ سال باز امارت حق او نبود!! اما خداوند متعال او را ذخیره اسلام برای روزهای سخت قرار داد تا در ۵ سال آخر عمر مبارکش چند یادگاری برای جهان اسلام بر جای گذارد.

نهج البلاغه اثر مکتوب او و اولادان امام اثر وجودی آن حضرت بودند.

امروز هم پیروان راستین مذهب تسنن می گویند حق علی حق چهارمی بود! اما خیلی ها از همان ابتدا حق او را و اولاد او را شهادت دیدند! مقام اصلح چگونه تعریف می شود که برادران مسلمان و عزیز ما مرتب توجیه می آورند که خلیفه اول تا سوم به آن مقام اصلح بودند! خدا وکیلی هزار ولی یک علی می شود؟

- علی (ع) همه شایستگی های جانشینی پیغمبر عالیقدر اسلام را داشت. از مولود کعبه بودن تا میثاق غدیر، از اولین مرد اسلام بودن تا فاتح در خیبر، از داماد پیغمبر بودن تا پدر شباب جنت، از باب شهر علم بودن تا وصی بلامنازع او، اهل کساء و..

اما تاریخ به دنبال بهانه است! آنهم چه بهانه سخیفی!

جوان بودن علی (۳۳ ساله) و همیشه خندان بودن او (نقل از مرحوم دکتر علی شریعتی). ۳۰ سال اختلاف سنی با پیامبر بهانه شد که بنام دین "بکنند و نکنند" (به عبارت دقیق تر از سلمان فارسی"کردند و نکردند"). امروز هم از زبان افرادی شنیده می شود که در آن زمان کسی کاریزمای پیامبر را نداشت! کافیست صحنه سقیفه و خطبه شقشقیه بازسازی و بازخوانی شود تا معلوم بشود درد تاریخ و راه حل بازیگران آن مقطع تاریخی چه بوده است! پر کردن فاصله سنی پیامبر با علی (ع) با ۲۵ سال خانه نشینی اجباری او! بیعت ناجوانمردانه از او. خون دل دادن حضرت فاطمه الزهرا (س).

- خوشبختانه ثبت تاریخی غیر از ثبت تاریخ است. نهج البلاغه یادگار ۵ سال حکومت علی تنها یادگار صدر اسلام و صدر اسلامیان است. بزرگی علی به ما می آموزد نه دیروز، نه امروز و نه فردا هیچ صاحب قدرتی تحمل علی را ندارد! زیرا علی جلوتر از تاریخ است. علی بالغ تر از سن بیولوژیکی خود است. علی مال کتابها نیست! علی تاریخ ساز است. علی شهر علم است. مشق شهادت است. علی مشعل تاریخ است. در کدام کشور و کشورها؟ کشور دل ها و فهم ها.

هر کس که بخواهد سمبل دروازه پایتختش ذوالفقار باشد و مانیفیست اجرائی آن فقط و فقط قرآن و نهج البلاغه باشد

(درج نظر در سایت شفقنا ذیل گزارش شبهه غلو درباره حضرت علی (ع) و پاسخ شیعه؟۱۳۹۱/۱۱/۱۱. فایل ۱۴).

هر غدیر یاد تو بودم

بی غدیر جای تو بودم

من کجا جای تو بودم

من همی راه تو بودم

- دیگر سمبل های حکومت علی هم مشخص است. آفتاب آمد دلیل آفتاب. یکی از هزار تا به شرح زیر است (درج نظر در سایت بینانیوز مورخ ۱۳۹۲/۲/۲. فایل ۱۵۴ ذیل خبر حسن کامران: مسابقه سه قوه در سفر به خارج کشور):

– سمبل حکومت علی بر سر در عدالتخانه های کشور های مدعی، دست فرد نابینائیست که آهن گداخته بر دست دارد.

– سمبل دروازه پایتخت کشور مدعی حکومت علی، ذوالفقار است.

– سمبل محاکمات اسلامی، منشور علی است. در منشور عدالت علی قضات زمان می خرند برای مظلوم و زمان می گیرند از ظالم.

– بانک علی، بانک مرکزی هر کشوری است که نامش علی است.

– کتاب رسمی حکومت اسلامی، قرآن و نهج البلاغه است.

– یک حاکم متقی می فهمد حال علی را وقتی از زبان او می شنود "فزت و ربه الکعبه" را.

– در این فکر بودم که اگر علی (ع) با آن هیبت و ابهت صدرالسلامی خود وارد کلبه کوچک من بشود من چه حالی پیدا می کنم! با خود گفتم علی نیست نهج البلاغه که هست، کار مانده علی که هست، دختر یهودی و مسلمان که هست، بازی با القابی چون ابوالحسن در دادگاه ها و ادارات که هست، میهمانی رفتن های حنیف استاندار بصره و جای دیگر که هست (دریافت جدیدتر: زائر عتبات عالیات–ساکن هفت شهر عشق، ۱۳۹۸در همین سایت).

به حنیف نوشت:

"اگر خواستمی دانستمی چگونه عسل پالود و مغز گندم و بافته ابریشم را به گلو برم، لیکن هرگز هوای من بر من چیره نخواهد گردید و حرص مرا به گزیدن خوراک ها نخواهد کشید چه بود که در حجاز یا یمامه کسی حسرت گرده نانی برد، یا هرگز شکمی سیر نخورد و من سیر بخوابم و پیرامونم شکمهائی باشد از گرسنگی به پشت دوخته و جگرهایی سوخته".

– برای مدیران باید بدل برنامه تلویزیونی "از کی بپرسم؟" ساخت و اسم آن را گذاشت "از کی بترسم؟ از کی نترسم؟".

– علی بعد پیامبر هر چه دید و شنید رنج دین و غصه امت بود! او نیز چون پیامبر غصه ها را جرعه جرعه خورد و آن را به اولاد و پیروان مخلص خود به ارث گذاشت. وقتی ضربت شمشیر خورد تازه مردم با وجدان و نه بی وجدان فهمیدند "فُزْتُ وَ رَبِّ الْکَعْبَۀ– به خدای کعبه که رستگار شدم"! به چه معنی است!

شمع وجود او در ۲۵ سال عزلت می سوخت که می دید دارند دیوار اسلام را کج می گذارند! و در ۵ سال خلافت خود او تمام تلاش خود را کرد تا مگر اندکی این دیوار صاف شود اما خواص و عوام متاثر از خواص مانع شدند! کار او در روز، عدالت و در شب، مراقبت بود. مجسمه عدالت، شجاعت، درایت و هر فضیلت دیگر می دید که خیل عظیمی از مردم مستمند زیر پرچم اسلام و امپراطوری بزرگ اسلامی به نان شب محتاج اند!! چرا که تعداد قلیل به خود و دیگران قبولانده بودند که حق حیات، حق رفاه، حق خوردن و هر حق دیگر مخصوص ایشان است.

– اینست که رکورد حکومت اسلامی بدست اوست آنهم به مدت کمتر از ۵ سال.

– هرکس که بدستش ترازوی دیجیتال نیست و قادر نیست هر لحظه و هرجا اعمال افراد را به میکروگرم محاسبه کند مدیر مناسبی برای کشور مدعی اسلام نیست.

ره و ره رهیدیم

سایه حق رسیدیم

سایه حق علی بود

ما به علی رسیدیم

- هرکه گوید یاعلی او هم علی است.
- آقای علیزاده طوسی با نام حقیقی محمود کیانوش شاعر و نویسنده که سال ۱۳۹۹ در اثر ابتلا به کرونا در لندن فوت کرد، در یکی از نامه های از لندن–بی بی سی فارسی (جمعه ۱۷ بهمن۱۳۹۳)، انسانها را در ۳ گروه دسته بندی می کرد: ساده، دانشگاه رفته و فرهیخته.

می گفت آدم های ساده به اندازه فهم خود از سواد در حد خواندن و نوشتن خود بهره مند می شوند (قریب به مضمون). آدم های دانشگاه رفته (educated) اغلب در کار تخصصی خود مجرب اما بیرون از دایره آموخته هایشان ناتوان اند. و بالاخره فرهیختگان (distinguished scholars) که می توانند جزو گروه ۱ (ساده ها) یا گروه ۲ (آموخته ها) باشند. این گروه کارشان گشت و گذار در همه وادیها از جمله دنیای شگفت آور درون آدمیزاد است. ایشان از بیغوله های سنت، خرافات و تعصب فراتر رفته و به جز از عقل خداداد تکیه گاه دیگری ندارند.

بعد چند جمله از ولتر، محمد غزالی و زن بقال و..آورد تا ثابت کند در همه مواقع آموخته ها حرف بکر و دست اول نمی زنند. آنجائیکه گفت والده ماجده بقال خرزویل (نام دهی است) گفته است چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است و امام غزالی در برابر این سخن شیوا گفته زن بهتر است خانه باشد و کار پختن و شستن بکند چرا که مرد اگر به این دو مشغول باشد از علم و عمل عبادت محروم باشد.

اما آقای علیزاده طوسی فراموش کرد از گروه چهارم که مشاهیر عالم هستند یادی بکند (celebrated or famous men) و نگفت ولتر و امام غزالی حرفهای قصار زیادی هم زده اند. و نگفت ما در حال حاضر این واژه را برای هرکسی که مدرک دکترا دارد بکار می بریم و البته لغات سنگین تر از این چون بصیرت که من در شعر خود بنام جناب عشق آن را اینگونه توصیف کردم: تا مرگ به چشم نبیند/ با چشم سر بصر نیست....

علاوه بر گروه چهارم که امثال مرحوم خانم آنه ماری شیمل (Annemarie Schimmel) ایران شناس، اسلام شناس، مولوی شناس، محمدشناس، انسان شناس و.. آن را نمایندگی می کنند گروه پنجم هستند که فوق بشر نیستند اما انسان کامل و تمام هستند. به اعتقاد ما معصومین و قدیسین هستند (Saints).

- بزرگان گروه چهارم با همه بزرگیهای خود و کلمات قصار فراوان خود وقتی می خواهند بر سنگ مزار خود جمله ائی بنویسند آن را را از بین جملات قصار معصومین ما و نه خود انتخاب می کنند تا به ما بیآموزند حرفهائی هستند که نشاندار شده خدائی هستند.

آنه ماری شیمل این جمله زیبا از علی (ع) را وصیت کرد تا روی سنگ مزار خود حک کنند: النّاسِ نِیَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا – مردم درخوابند چون بمیرند بیدار می شوند (People Are Asleep They Wake Up When They Die). در حالیکه ما ایرانی ها عادت داریم (عادت به حق، بجا و متاثر از ذوق شعری ما) هرچه شعر محزون و عبرت آموز است را برای این کار اختصاص بدهیم!

مصاحبه تلویزیونی خانم آنه ماریا شیمل را در ایران فقط یکبار شنیدیم (سال ۱۳۷۴) و متاسفانه دیگر بار تکرار نشد تا اینکه سایت شفقنا گزارشی تحت عنوان کدام حدیث از امیرالمؤمنی (ع) بر سنگ قبر مستشرق آلمانی نقش بسته است؟ انتشار داد (مورخ۱۳۹۱/۱۱/۲۷. فایل ۲۸) و من نظر خود را ذیل این گزارش چنین نگاشتم:

در زمین خاکی ما شعار اکثر نادانان و ناآگاهان خسر الدنیا و الاخره این است"بردی بردی، نبردی مردی" اما در ملک دانائی و توانائی، عرصه پیوسته تهذیب و تسلیم، صحبت از دیدن ها و ندیدن هاست. صحبت از"بردی مردی، نبردی بردی" هست. خانم آنه ماری شیمل بانوئی از بانوان خوشنام عالم خلقت با انتخاب شعار سنگ نوشته قبر خود نشان می دهد به مقامی رسیده است، پیامی داشته است، درد و دلی با ما مسلمانان داشته است، رنجش خاطری از ما شیعه ها داشته است که مگو و مپرس.

با خواندن متن فوق یاد شعر حافظ لسان الغیب افتادم و حیفم آمدم همه غزل او را اینجا نیآورم. گوئی حافظ این روز و دیگر روز، این بانو و آن بانو را هم می دیده است. من که زانو بدست و اشک بر چشم این نظر را آماده ارسال می کنم:

یا امام سجاد شرمنده ام، صحیفه سجادیه شرمنده ام، کربلا شرمنده ام، شهدا شرمنده ام، حافظ شرمنده ام

درد عشقی کشیده ام که مپرس/ زهر هجری چشیده ام که مپرس/ گشته ام در جهان و آخر کار/ دلبری برگزیده ام

که مپرس/ آنچنان در هوای خاک درش/ می رود آب دیده ام که مپرس/ من به گوش سخنانی شنیده ام که مپرس/

سوی من لب چه می گزی که مگوی/ لب لعلی گزیده ام که مپرس/ بی تو در کلبهٔ گدایی خویش/ رنج هایی

کشیده ام که مپرس/ همچو حافظ غریب در ره عشق/ به مقامی رسیده ام که مپرس.



- دیدم در اینترنت یک رساله دکتری تحت عنوان"People Are Asleep They Wake Up When They Die" در استانبول ترکیه دفاع شده است (Emre Dorman,2012). در آن رساله۱۸۳ صفحه ائی هیچ اشاره ائی به منبع عنوان رساله نشده بود! او رساله خود را با این جمله منتسب به مولانا اینگونه به پایان رسانیده بود:

Let us end this book with a saying attributed to Rumi: Life is sleep, people wake up when dead. Act promptly and wake up before you die

- به خود گفتم از یک نهج البلاغه چند فقره رساله/مقاله/ فصل کتاب/و.. قابل استنتاج و استخراج است؟ مقالاتی که دنیا ساز است. از نوع آی اس آی (ISI) نیستند! خوب هیچکس در ایران وقت مطالعه ندارد! استادان هم ندارند! علما هم ندارند! دانشجویان هم ندارند! اولاد علما هم ندارند.

دیشب در برنامه حدیث سرو آقازاده مرحوم علامه امینی صاحب الغدیر ناراحت بود که چطور نتوانست راه پدر را برود و آثار پدر را تکمیل نماید. میدان انقلاب زنده باد. همه چیز را تضمین کرده است ازجمله چاپ مقالات در مجلات معتبر را. در مورد خبر فوق همه افتخار کردند سخن علی است. معدودی نوشتند سند سخن نامعلوم است (رهروان ولایت، ۱۳۹۴)!

سایت اسلام کوئیست (۱۳۹۶) نوشت به اعتقاد اهل تشیع این سخن نبی و علی است و بنظر اهل تسنن سخن اصحاب و تابعین است. منبع مورد استفاده سایت اسلام کوئیست کتاب"خصائص الائمه علیهم السلام: خصائص امیرالمومنین علیه السلام"نوشته سید رضوی و گردآورنده نهج البلاغه در قرن چهارم ه. ق بود. سخن نزدیک به این مضمون حکمت ۶۱ کتاب نهج البلاغه بود: وَ قَالَ (ع) أَهْلُ الدُّنْيَا كَرَكْبٍ يُسَارُ بِهِمْ وَ هُمْ نِيَام- مردم دنیا مانند سوارانی خفته‌اند که کاروانشان در حرکت است (و ناگاه به مقصد می‌رسند، و آن‌گاه بیدار می‌شوند). نشان می داد قدمت سخن به زمان حضرت رسول (ص) و حضرت علی (ع) می رسد.

- دست مرحوم آنه ماری آلمانی درد نکند که ما را بفکر واداشت که بدانیم آب اینجاست و ما تشنه لبان می گردیم. باید سر فرصت دید چند رساله و نوشته پیرامون این سخن به طبع رسیده است. اما عجالتا باید نوشت: تا حالا فکر می کردم نهج البلاغه حیات بخش زندگان است، نجات بخش دولت ها است. اما با دیدن سنگ نوشته مزار بانو آنه ماری شیمل آلمانی (Annemarie Schimmel) اسلام‌پژوه، خاورشناس و مولوی‌شناس معلومم شد فرازی از آن، عزت و شوکت بزرگان درگذشته را صد چندان می کند.
- شیمل فقط مجذوب کلمات قصار امام علی (ع) نبود. بلکه با دعاهای عارفانه امام سجاد (ع) هم آشنا بود. از ایشان در این باره نقل شده است:

من خود همواره دعاها، احادیث و اخبار اسلامی را از اصل عربی آن می‌خوانم و به ترجمه دیگران مراجعه نمی‌کنم. من بخشی کوچک از کتاب مبارک صحیفه سجادیه را، به آلمانی ترجمه و منتشر کرده‌ام و از جمله، دعای رؤیت هلال ماه مبارک رمضان و دعای وداع با آن ماه را. وقتی مشغول ترجمه این دعاها بودم، مادرم در بیمارستان بستری بود و من که به

او سر می‌زدم، پس از آنکه او به خواب می‌رفت، در گوشه‌ای از آن اتاق، به کار پاکنویس کردن ترجمه‌ها مشغول می‌شدم. اتاق مادرم دو تختی بود. در تخت دیگر، خانمی بسیار فاضله بستری بود که کاتولیکی مؤمن و راسخ‌العقیده و حتی متعصب بود. وقتی فهمید که من دعاهای اسلامی را ترجمه می‌کنم، دلگیر شد که مگر در مسیحیت و در کتب مقدسه خودمان، کمبودی داریم که تو به ادعیه اسلامی روی آورده ای؟ وقتی کتابم چاپ شد، یک نسخه برای او فرستادم. یک ماه بعد، او به من تلفن زد و گفت: صمیمانه از هدیه این کتاب متشکرم، زیرا هر روز به جای دعا، آن را می خوانم. بله! واقعا ترجمه ادعیه امامان معصوم (ع)، به ویژه صحیفه حضرت زین‌العابدین (ع)، برای بسیاری از مردم مغرب زمین، کارساز است (ماری شیمل و دلدادگی به صحیفه سجادیه، ۱۳۹۵و مادرم وقتی فهمید صحیفه سجادیه را ترجمه میکنم دلگیر شد، ۱۳۹۹).



بر روی سنگ قبر خانم ماری شیمل مسیحی آلمانی که سالها در مورد اسلام تحقیق نموده و کتابها نوشته،کلامی از مولا علی تراشیده شده: (مردم خوابند و وقتی می میرند بیدار خواهند شد!) خانم شیمل می گوید: در حال ترجمه کتاب صحیفه سجادیه بودم که وقتی مادرم فهمید که من دعاهای اسلامی را ترجمه میکنم! از من دلگیر شد وگفت: مگر در مسیحیت و در کتب مقدسه خودمان کمبودی داریم که تو به ادعیه اسلامی رو آوردی!؟ وقتی کتابم چاپ شد یک نسخه برای او فرستادم. یک ماه بعد او به من تلفن زد و گفت: صمیمانه از هدیه این کتاب متشکرم، زیرا هر روز آن را می‌خوانم. وی می افزاید: امام زین‌العابدین(ع) برای بسیاری از مردم جهان غرب کارساز است...

- بعد هم به روح پر فتوح او به اندازه وسع خود ادای احترام کردم و نسخه ۴,۳ وبسایت خود را به آدرس WWW.phytobacteriology.com در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۷ برابر با ۲۶ ژانویه ۲۰۱۳ به مناسبت سالگرد وفات آن بانوی بلندآوازه تقدیم او کردم.

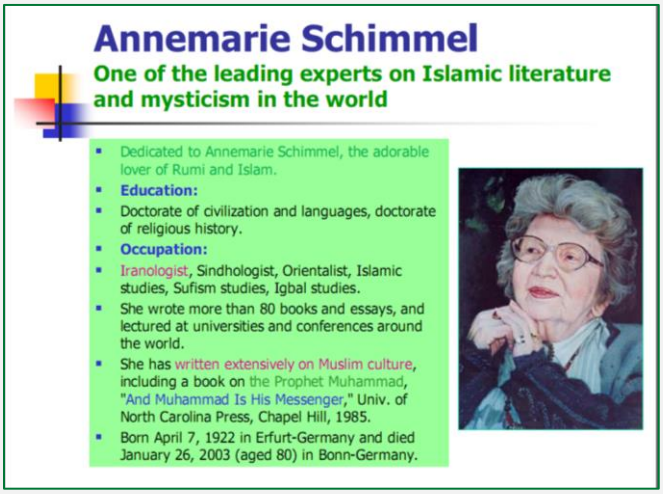

به غرب دیدم عدالت خوش نشین است

به شرق دیدم عدالت شرمگین است

عدالت واژه ایران زمین نیست

به حق دیدم علی بالا نشین است (درج نظر در بینانیوز مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۵).

- اینگونه است که وقتی الگوها گم شدند، پیام ها کم رنگ شدند، بی رنگ شدند، بی ربط شدند، بی نظم شدند، بی وصل شدند، از آن سوی سمبل های حیاتی یک جامعه (کل جهان اسلام) زیر سئوال رفتند، غربی شدند، شرقی شدند، غیر اسلامی شدند، غیر توحیدی شدند، تکلیف مسلمانان هم مشخص است.

سوختن در غفلت، ماندن در فقر، دم بر نیآوردن از قبر (گلو)!

عبادات خشک و خالی مسلمانان را بی تاب کرده است. تقلید ایشان را بی دفاع کرده است. چشم بر دست دشمنان از ایشان یک مجسمه ابوالهول ساخته است. ایران هراسی و اسلام هراسی ورد زبان همه است! افرادی هم آمدند، نقشه راهی را نشان دادند، نهضت هائی هم برپا کردند اما عملا کاری را از پیش نبردند. پول نفت بعنوان بزرگترین سرمایه ملی این کشورها، برای دیگران بهشت و برای ایشان جهنم خرید.

رمز موفقیت دشمن یک واژه ۵ حرفی بود: حسادت. ریشه حسادت هم کم کاری، نادانی، نااهلی و نابکاری است. در نظر ایشان علی کشته بشود بهتر است معاویه آسیب ببیند! لذا به خود و به جوامع خود قبولاندند شفاف نباشند عدالت است! حرف عدالت باشد کفایت است! دوستان به جای ما دوستی با شیطان قیامت است. قرآن برای تبرک است. دعا برای شفاعت است. نهج الباغه برای تعریف کردن است. بی خبری عین عبادت است. احیای سمبل ها جنایت است. با آل علی بودن شرارت است! و..

- البته این قصه سر دراز دارد. سقیفه مظهر آن است. تکرارش در طول تاریخ فراوان است. **همین قدر از سقیفه بگویم که انتخابات زورکی/مهندسی شده آن روز سالم ترین انتخابات کل جهان اسلام بوده است!!** همه رجال از هر قبیله و تباری حضور داشتند، آرای همه خوانده می شد، افکار غالب تحمیل می شد، قهر و آشتی زیاد بود، غربت از آن علی بود! علی هم نباشد همه چیز مطابق اسلام است.

به سن باشد خلیفه اول پیرمردی ۶۵ ساله مستحق تر از خلیفه دوم۴۰ ساله و خلیفه سوم ۵۶ ساله برای جانشینی پیامبر بود. به لقب باشد او یار غار پیامبر بود. نسبش پدر عیال پیامبر بود. ظواهر همه خوب اما باطن همه بد. خطای اول مهمترین خطا و نابخشودنی ترین گناهی بود که در سقیفه روی داد. دورهای بعد که انتخابات پرشور سقیفه نبود. همه اعراب پی کار خود بودند. انتخابات–انتصابات بود در جمع های خودمانی و محفلی و خانوادگی.

هدف انتصابات پشت پرده، انتصاب همه به جز علی بود.

با تو علی است یاعلی

(۱۳۹۶/۳/۲۸)

محو تماشای تو

دیدم علمدار تو

حیدر کرار تو

محرم اسرار تو

ماه نمودی به ما

شاه نمودی به ما

مسند مولای ما

سینه افراد ما

گفت سلونی به ما

گفت صبوری به ما

دید نه اندوه ما

گفت فقودی به ما (سَلونی قَبلَ اَن تَفقِدونی)

یک سفری دیدم او

یک سفری پیش او

بیشتر از این است علی

ریشه دین است علی

صبر جمیل است علی

اجر جزیل است علی

حرف ندارد خدا

جنگ ندارد خدا

نام علی می برد

راه تو را می برد

رنج ندیدم علی

جز که بدیدم علی

خانه او خانه است

فقر نجیبانه است

فخر حکیمانه است

فجر کریمانه است

آل علی است یاعلی

نام علی با علی است

کوه بنام علی است

کوچه بنام علی است

مومن مطلق علی است

واصل القدر علی است (مراجعه شود به نوشته شب قدر من، ۱۴۰۳/۱/۱۱ در همین سایت)

روز قیامت علی است

روز حکایت علی است

قرب قرابت علی است

اجر رسالت علی است

عین عنایت علی است

حد کفایت علی است

اشهد مومن علی است

مشهد مومن علی است

مذهب مومن علی است

فرق علی یا علی

نام علی با علی است

یا علی یار علی

(۱۴۰۰/۶/۱)

یاعلی یار علی

یاور ماست یاعلی

آمد ماست یاعلی

داور ماست یاعلی

با تو علی است این علی

با تو ولی است این ولی

ساحت ایمان، علی

ساعت ایران، علی

گفت و شنود با علی

خاطر ماست این علی

مکه بنامش علی

فکه به یادش علی

چشمه به کامش علی

کرخه کنارش علی

بدر بغایت علی

خاک ترابش علی

شب نخسبد علی

خشم نبیند علی

شارح شرع است علی

ضامن حق است علی

شاکله دارد علی

حوصله دارد علی

مرد سیاست علی

مرد کیاست علی

نغز بگوید علی

نثر نویسد علی

هر چه بلاغ است علی

پند کلامش علی

شعر نوشتم علی

شعر نگوید علی

دفاع تمام قد امام علی (ع) در برابر حقوق پایمال شده یک زن یهودی زیر لوای پرچم حکومت اسلامی

(۱۴۰۱/۶/۲۸)



تا آن حضرت مطلع شد سربازان معاویه به حریم شخصی یک زن مسلمان و یک زن یهودی متعرض شده اند. طلاهای زن یهود از جمله خلخال پای آن زن که با مسلمانان هم پیمان بودند از بدنش بزور بیرون آورده اند و او را در برابر این تعرض بی دفاع گذاشته اند. کسی هم به التماس، خواهش و گریه و درخواست کمک او توجهی نکرده است. آن روز، دل دریا گونه علی

متلاطم و نبض فوق حساسیت او نسبت به حقوق زن و حقوق شهروندی و حقوق هم بشری و نیز حس همدردی آسمان گونه او به زن مسلمان و آستان گونه او به زن یهودی به شمارش افتاده است و آن را در متن خطبه ۲۷ نهج البلاغه بدین گونه انعکاس داده است:

اطلاع یافتم سربازان معاویه بدون رنج و زحمت و بدون ریختن یک قطره خون و زخم دیدن با دست پر بازگشته اند. اگر مرد مسلمانی از این پس از روی تأسف و غصه بمیرد سزاوار است و سرزنش نمی شود. بسیار جای تعجب است بخدا سوگند اتحاد اینان در راه باطل و اختلاف و متفرق بودن شما در راه حق قلب را ریشه کن می کند و غم را افزایش می دهد.

این تاریخی ترین سمبل حکومت دینی است که برای حاکم عادل آن، مسلمان بودن و نبودن فرد مورد ظلم واقع شده تفاوتی ندارد. تکلیف همه هم در برابر این حادثه و حوادث مشابه دیگر تلخ و سخت است. در حد آرزوی مرگ است. **بی تفاوتی در برابر مصائب جامعه، بالاترین ظلم و چشم پوشی و بدتر از آن توجیه عمل زشت از زشت ترین است**.

حیف از مردم مسلمان دنیا که حکومت های غیر دینی را بنام دین تجربه کردند. دین را بی دفاع گذاشتند. حکومتهای مدعی اسلامیت هم در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام، خواسته و ناخواسته یک ضربه به خود و هزار ضربه به دین اسلام زدند.

هزار ضربه زدی دانی؟

دانی که چقدر ضربه زدی؟

ضرب آهنگ را تو دیدم

هر لحظه به آن یک ضربه زدی